

## بررسی تطبیقی مصداق «اهل بیت» در آیه تطهیر از منظر مفسران فریقین\*

□ سید حسن محمدی\*\*

### چکیده

یکی از بزنگاه‌های مورد اختلاف فریقین، تعیین مصداق اهل بیت در آیه تطهیر می‌باشد. با توجه به نقش اساسی این فراز از آیه ۳۳ سوره احزاب، در حوزه اعتقادی فریقین، پژوهشگر با واکاوی مفاهیم به کار رفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آن‌ها و هم‌چنین بیان دیدگاه مفسران فریقین، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت در آیه تطهیر را شناسایی می‌کند. از میان مفسران اهل سنت، برخی از آن‌ها مصداق اهل بیت را فقط در بستگان سببی پیامبر یعنی زنان پیامبر<sup>ص</sup> معنا کرده‌اند و برخی دیگر مصداق آن را علاوه بر زنان، پنج تن آل عبا (پیامبر اسلام<sup>ص</sup> علی، فاطمه، حسن و حسین<sup>ع</sup>) می‌دانند. اما مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت قائل‌اند که مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا هستند و لاغیر. با بررسی انجام گرفته، دلایل مفسران فریقین را می‌توان در سه محور روایی، ادبی و سیاقی تقسیم کرد. آن‌ها با استناد به روایات ام‌سلمه، عایشه و عکرمه و نیز بررسی مفهوم اهل بیت و ضمایر به کار رفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب و هم‌چنین وحدت و عدم وحدت آیه تطهیر با آیات قبل و بعد، اقوال خود را پایه‌ریزی کرده‌اند. **کلیدواژه‌ها:** آیه تطهیر، اهل بیت، آل عبا، عصمت.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۲/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۲۰.

\*\* دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی (گرایش قرآن و متون اسلامی) دانشگاه پیام نور قم (s.h.mohammadi@ut.ac.ir).

## مقدمه

یکی از مباحث مورد اختلاف فریقین، تعیین مصداق "اهل بیت" در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌باشد. از آنجا که این فراز از آیه نقش محوری در تبیین و اثبات مباحث کلیدی و معرفتی در حوزه اعتقادات شیعی یعنی «عصمت» اهل بیت<sup>۱</sup> دارد، ضرورت می‌طلبد این واژه را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار دهیم تا مصداقی که عصمت شامل حال آنها می‌شود را بشناسیم و شعاع گستره معصومین<sup>۲</sup> را در افراد خاصی بجوییم.

هرچند این واژه در قرآن و روایات خصوصاً احادیث نبوی با توجه به موضوعات گوناگون برای مصداق مختلفی به کار رفته است و همین امر باعث شد تا مفسران فریقین را در معنای واقعی آن در آیه تطهیر دچار مشکل کند. مفسران در مصداق اهل بیت به چند دسته تقسیم می‌شوند. برخی مصداق آن را فقط در بستگان سببی پیامبر یعنی زنان پیامبر<sup>۳</sup> معنا کرده‌اند و برخی دیگر مصداق آن را علاوه بر زنان پیامبر، پنج تن آل عبا (پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین) می‌دانند و برخی دیگر قائلند که منظور از اهل بیت، بنی هاشم (آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر) هستند. در این میان برخی از مفسران می‌گویند: مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا یعنی پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند و لاغیر. از این رو پژوهشگر بر آن است تا با واکاوی مفاهیم به کار رفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آنها و هم‌چنین بیان دیدگاه مفسران فریقین، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت<sup>۴</sup> در آیه تطهیر را شناسایی کند.

### ۱. دیدگاه مفسران اهل تسنن و أدله آنان

مفسران اهل تسنن در مورد مصداق اهل بیت در آیه تطهیر بر قول واحدی اتفاق ندارند و در این باره بیش از پنج نظر وجود دارد که ما در اینجا تنها به دو قول آنان می‌پردازیم.

#### ۱-۱. اهل بیت به معنای آل کسا

این قول که در بین مفسران اهل سنت از شهرت کمتری برخوردار است، مصداق اهل بیت را در خمسۀ آل عبا یعنی پیامبر اسلام<sup>۵</sup>، امام علی<sup>۶</sup>، فاطمه زهرا<sup>۷</sup>، امام حسن و امام حسین<sup>۸</sup> خلاصه کردند.

از جمله کسانی که قائل به این نظریه هستند حاکم حسکانی صاحب تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل می‌باشد. وی در مورد روایات وارد شده پیرامون مصداق اهل بیت<sup>۹</sup> در مورد خمسۀ طیبه، ادعای تواتر نموده است و برای اثبات مدعای خود احادیث مربوط به کسا را با طرق مختلف نقل می‌کند که در مجموع ۱۲۰ صفحه از کتاب خود را به ذکر این احادیث اختصاص می‌دهد. هرچند وی در برخی از روایات، "وائلة بن أسقع" و "ام سلمه" را از جمله کسانی می‌داند که تحت کسا بودند که این قول با عقل و مبانی فقهی سازگاری ندارد (حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/۲۳).

ابی بکر محمد بن عبدالله معروف به ابن العربی فقیه مالکی و محدث نامدار اندلس نیز با استناد به روایت "ام سلمه" و "انس بن مالک" قائلند که مصداق اهل بیت خمسۀ آل عبا هستند (ابن العربی، بی تا: ۱۵۳/۳).

طبری مفسر بزرگ اهل تسنن در جامع البیان فی تفسیر القرآن که به أم التفسیر مشهور است به پانزده روایت از طرق مختلف استناد می‌کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر پیامبر<sup>۱۰</sup>، علی<sup>۱۱</sup>، فاطمه<sup>۱۲</sup>، حسن و حسین<sup>۱۳</sup> است. هرچند ایشان در انتهای با

استناد به روایت عکرمه و با عبارت «قال الآخرون» زنان پیامبر را نیز از مصداق اهل بیت می‌داند و در مورد اقوال یاد شده نظری نمی‌دهد اما به کارگیری این عبارت بیانگر آن است که نظر طبری به خمسه طیبه نزدیک‌تر باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۷/۲۲-۵). هم‌چنین سورآبادی نیز در تفسیر خود بعد از ذکر آیه تطهیر، روایتی از ابوهریره نقل می‌کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین می‌باشند (نیشابوری، ۱۳۸۰: ۳/۱۹۶۸).

## ۲-۱. اهل بیت به معنای زنان پیامبر و آل کسا

اما قول دوم که مربوط به اکثر مفسران اهل تسنن است؛ مصداق اهل بیت در آیه تطهیر را، بیت شریف پیامبر که محل نزول وحی‌اند می‌دانند. در این صورت اهل بیت شامل زنان پیامبر، فرزندان آن حضرت و علی \* به خاطر نسبت ایشان به حضرت صدیقه طاهره ÷ مصداق اهل بیت است.

در همین راستا مفسران اهل سنت مباحث متعددی را طرح نموده‌اند. فخر رازی بدون اشاره به اقوال وارده در این آیه، مهم‌ترین قول در مورد مصداق اهل بیت را زنان پیامبر و خمسه طیبه عنوان می‌کند. (فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰: ۱۶۸/۲۵) ابن عطیه صاحب تفسیر المحرر الوجیز در ابتدا با استناد به روایت عکرمه مراد از اهل بیت را زنان پیامبر می‌داند و در ادامه با اشاره به اقوال دیگر، علاوه بر زنان، خمسه طیبه و بنی هاشم را هم وارد مصداق اهل بیت ^ می‌کند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴/۳۸۴). بغوی در معالم التنزیل با استناد به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس و روایت عایشه منظور از اهل بیت ^ را زنان پیامبر و خمسه آل عبا معرفی می‌کند (بغوی، ۱۴۲۰: ۳/۶۳۸). بغدادی هم در ابتدا با استشهاد به روایت سعید بن جبیر از ابن عباس مراد از اهل بیت ^ را به دلیل انصراف معنای «بیت» به بیت پیامبر، نساء النبی معرفی کرده و در ادامه با استناد به روایت عایشه، مصداق اهل بیت را خمسه طیبه دانستند. به نوعی ایشان جمع میان نساء النبی و پنج تن آل عبا را به عنوان مصداق اهل بیت می‌دانند (بغدادی، ۱۴۱۵: ۳/۴۲۵).

ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن در مورد مصداق اهل بیت سه قول را بیان می‌کند: ۱. زنان پیامبر: مستند می‌کند به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس. ۲. خمسه طیبه: مستند می‌کند به حدیث آل کسا ۳. بنی هاشم: استناد به روایت مربوط به حرمت صدقه به آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۶/۸). میبیدی در وهله اول با استناد به معنای لغوی اهل بیت مصداق اهل بیت را به زنان پیامبر اختصاص می‌دهد و برای مدعای خود اشاره به داستان حضرت ابراهیم \* در قرآن می‌کند که می‌فرماید: «رَحِمْتُ اللَّهَ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» منظور از اهل بیت در این آیه همسر حضرت ابراهیم \* است. وی در ادامه پنج تن آل عبا را با حدیث کسا که از طریق ابو سعید خدری، مجاهد و قتاده نقل شده است تحت مصداق اهل بیت وارد می‌کند (میبیدی، ۱۳۷۱: ۸/۴۶). نخجوانی در الفواتح الإلیه منظور از اهل بیت را در آیه بیت پیامبر یعنی زنان و آل کسا معرفی می‌کند و علت تذکیر ضمیر را هم به خاطر وجود پیامبر، علی، حسن و حسین متذکر می‌شود (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۱۵۵/۲). ابن جوزی نیز برای مصداق اهل بیت سه قول ذکر می‌کند: ۱. زنان پیامبر: با استناد به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس. ۲. اهل کسا روایت وارد شده از ام سلمه و غیره. ۳. اهل کسا و زنان پیامبر: به دلیل اینکه زنان و مردان همگی از آل پیامبر هستند و علت تذکیر در ضمیر را هم به خاطر لفظ «اهل» می‌داند که به صورت مذکر ذکر شد وگرنه اگر آیه فقط زنان پیامبر را شامل می‌شد می‌بایست ضمیر را به صورت مونث می‌آوردند (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۴۶۳). سیوطی در تفسیر در المنثور ابتدا با استناد به

روایت ابن عباس که از چند طریق نقل شده است مصداق اهل بیت را فقط در زنان پیامبر دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۵). چنان‌که در تفسیر جلالین نیز اهل بیت را فقط به نساء النبی اختصاص داده است (سیوطی، ۱۴۱۶: ۴۲۶/۱). هرچند وی در ادامه به روایات مختص آل عبا نیز اشاره می‌کند. ثعالبی در تفسیر جواهر الحسان طبق نظر جمهور، مصداق اهل بیت را پنج تن آل عبا می‌داند و در ادامه با استناد به روایت ابن عباس همسران پیامبر را به خاطر خطاب آیه به زنان پیامبر، داخل در مصداق اهل بیت می‌کند (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۳۴۶/۴). نیشابوری در تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، مصادیق اهل بیت را با توجه به تفسیر آیه مباحله به پیامبر<sup>6</sup>، فاطمه<sup>۷</sup>، حسن و حسین<sup>۸</sup> اختصاص می‌دهد و علی<sup>۹</sup> را از باب معاشرتش با حضرت فاطمه<sup>۷</sup> و ملازمتش با پیامبر<sup>6</sup> به آنها اضافه می‌کند و حتی نسبت به آن ادعای اجماع می‌کند و در ادامه دخول زنان پیامبر را از باب ظن مطرح می‌کند (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵/۴۶۰). بیضاوی معتقد است که اهل بیت را با توجه به سیاق آیه و أدله ابن کثیر مبنی بر شان نزول آیه می‌توان به زنان پیامبر اختصاص داد و خمسه آل عبا را با توجه به روایات منقول داخل نمود و علت ضمیر مذکر در «عنکم» و «یطهرکم» را از باب تغلیب دانسته است (طنطاوی، بی تا: ۲۰۸/۱۱).

بنابر مباحث ذکر شده أدله مفسران اهل سنت را به شمول مصداق اهل بیت به خمسه آل عبا اتفاق نظر دارند و سایر افراد را توسط أدله دیگر به اثبات می‌رسانند. به طور کلی أدله اهل سنت را می‌توان در سه بخش روایی، سیاق و ادبی تبیین کرد. هرچند برخی از این دلایل به یک قسمت از نظریه آنها اشاره می‌کند ولی آنها با در نظر گرفتن مجموع أدله قائل به جمع بین خمسه آل عبا و زوجات النبی شدند.

## الف) دلیل روایی

مهم‌ترین دلیل مفسران اهل تسنن روایت عکرمة و سعید بن جبیر از ابن عباس است که مصداق اهل بیت را تنها در زنان پیامبر<sup>6</sup> می‌داند. محدثان اهل تسنن می‌گویند: عکرمة در بازار راه می‌رفته و آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» را قرائت کرده می‌گفت: «لَيْسَ الَّذِي تَذْهَبُونَ إِلَيْهِ، إِنَّمَا هُوَ فِي أَزْوَاجِ النَّبِيِّ 6 خَاصَّةً؛ ای مردم! منظور از اهل بیت در این آیه، فقط زنان پیغمبر است و بس» (طبری، ۱۴۱۲: ۸/۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۶/۵. قاسمی، ۱۴۱۸: ۶۸/۸؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴/۳۸۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ج ۳/۶۳۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۳/۴۲۵؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۶/۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۴۶۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹/۳۱۳۰؛ ابو حیان، ۱۴۲۰: ۸/۴۷۹ و ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱/۲۴۸). از سعید بن جبیر نقل می‌کنند که در مورد نزول آیه تطهیر این چنین می‌گوید: «أَنَّهَا نَزَلَتْ فِي نِسَاءِ النَّبِيِّ؛ این آیه در شأن همسران پیامبر نازل شده است» (السمعانی، ۱۴۱۸: ۴/۲۸۰).

## ب) دلیل سیاق

دلیل دیگر مفسران اهل تسنن، مسئله رعایت وحدت سیاق آیاتی است که آیه تطهیر را در بر گرفته‌اند. آنها می‌گویند: آیه‌ای که شأن نزول آن در مورد زنان پیامبر<sup>6</sup> است چطور ممکن است مصداق اهل بیت شامل حال آنها نشود، در حالی که خانه عایشه و أم سلمه موطن وحی الهی است و وحی در منزل آنها اتفاق افتاده است. پس اینان خاندان وحی و نبوت هستند. از این رو آنان با استناد سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز داخل در اهل بیت می‌کنند و تطهیر از رجس و پلیدی را شامل حال آنها می‌دانند و از

طرفی روایات مربوط به شأن نزول آیه که اشاره به خسمه آل عبا می‌کند را نص صحیح می‌دانند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/۳۶۵؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۸/۶۸؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۱۱/۲۰۸).

بیضاوی هم تخصیص آیه به اصحاب کسا را مناسب قبل و بعد آیه نمی‌داند و احادیث مربوط به شأن نزول آیه نیز چنین اختصاصی را رد می‌کند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/۲۳).

### ج) دلیل ادبی

مفسران اهل تسنن برای اینکه زنان پیامبر 6 را از مصادیق اهل بیت معرفی کنند، ابتدا واژه اهل بیت را معناشناسی کردند و آن را به همه کسانی که نوعی علاقه و رابطه خویشاوندی و ناگسستی داشته باشند، به طوری که از لحاظ عرف، همگی آنها می‌توانند در یک بیت واحد ساکن شوند، معنا کردند. بنابراین، اهل بیت در آیه تطهیر ابتدا زنان پیامبر 6 را شامل می‌شود و بعد اهل کسا را (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱۹۹).

هم‌چنین آنان برای به کارگیری ضمائر مذکر در آیه (عنکم و يطهرکم) با تمسک به قواعد ادبیات عرب، علت مذکر آوردن ضمائر را از باب تغلیب مطرح کردند و گفتند: چون در میان اهل بیت، پیامبر، علی و فرزندان علی یعنی حسن و حسین وجود دارند لذا ضمائر موجود در آیه از باب غلبه نسبت به حضرت فاطمه و زنان پیامبر به صورت مذکر آورده شده است. از طرفی در عرف فصحا نیز عدول از خطاب به غیر و بازگشت مجدد به خطاب در محاورات آنان بسیار فراوان است و هم‌چنین این‌گونه عدول در قرآن کریم و اشعار عرب نیز زیاد دیده می‌شود (خسروانی، ۱۳۹۰: ۷/۳۲؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۴/۳۲۱).

برخی نیز ضمیر «کم» در هر دو مورد را به خاطر لفظ مذکر «اهل»، جایگزین و به معنای «کن» می‌دانند و بیان می‌کنند که در ادبیات قرآنی و عربی، به کارگیری صیغه‌های مذکر به جای مونث، برای رعایت لفظ فراوان یافت می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/۳۶۵). از طرفی سیاق آیات قبل و بعد این آیه در مورد زنان پیغمبر است و این آیه در بین آن قرار گرفته است.

### ۲. دیدگاه مفسران شیعه و أدله آنان

همه مفسران شیعه بالاجماع اتفاق دارند مصداق اهل بیت در آیه تطهیر خسمه طیبه یعنی پیامبر 6، علی x، فاطمه و، و حسنین<sup>۱</sup> می‌باشند و بر ادعای خود دلایل روایی، متنی و محتوایی ذکر نموده‌اند.

#### ۱-۲. دلیل روایی

مفسران شیعه قائل‌اند، این فراز از آیه با سطر و ذیل آن در شأن نزول متفاوت است به گونه‌ای که شروع آیه مربوط به زنان پیغمبر و بعد از آن، آیه تطهیر وارد شد و سپس آیه مجدداً زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داد. آنان برای اثبات مدعای خود روایات فراوانی از طرق مختلف نقل می‌کنند که بیشتر آنها در منابع اهل تسنن موجود است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۳۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲/۱۹۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۷۴؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۶/۲۹۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۷/۲۸۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۲۷۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵/۴۱۷. کاشانی، ۱۴۲۳: ۵/۳۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۵۹). تعداد این روایات را بیش از هفتاد حدیث ذکر می‌کنند که اهل تسنن از طریق ام سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد، واثله بن الاسقع، ابوالحمرء، ابن عباس، ثوبان

غلام آزاد شده رسول خدا<sup>6</sup>، عبدالله بن جعفر، امام علی و امام حسن<sup>۱</sup> که تقریباً چهل طریق است روایت کرده‌اند. و شیعه آن را از حضرت علی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا<sup>۲</sup> و از ام سلمه، ابوذر، ابولیلی، ابوالاسود دؤلی، عمرو بن میمون اودی و سعدبن ابی وقاص، با بیش از سی طریق نقل کرده‌اند روایت می‌کنند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۱/۱۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۰/۴۴۴).

طبق روایت وارده در منابع تفسیری و روایی فریقین، این آیه در خانه ام سلمه همسر پیامبر<sup>6</sup>، نازل شده است و هنگام نزول آن علاوه بر پیامبر اکرم<sup>6</sup>، علی، فاطمه، حسن و حسین<sup>۳</sup> نیز حاضر بوده‌اند. در این هنگام پیامبر، پارچه‌ای خیبری (کسا) را که بر آن نشسته بود، بر روی خود، علی، فاطمه و حسنین کشید و دست‌ها را به سوی آسمان بالا برد و گفت: «خدایا! اهل بیت من این چهار نفرند، اینان را از هر پلیدی پاک گردان». ام سلمه از پیامبر پرسید که آیا او در شمار اهل بیت مذکور در این آیه قرار دارد، پاسخ پیامبر این بود که تو از همسران رسول خدایی و تو (بر راه) خیر هستی (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۸۸).<sup>(۱)</sup> و حتی پیامبر<sup>6</sup> برای رفع هرگونه شک و شبهه درباره مصداق اهل بیت، این جریان را به صورت عملی به اجرا گذاشتند. پیامبر به مدت شش ماه و طبق برخی نقل‌ها نه ماه هنگامی که برای نماز از خانه خویش بیرون می‌رفتند به در خانه فاطمه می‌آمدند و می‌گفتند: «الصلاة، إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» (طبری، ۱۴۱۲: ۵/۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۹۹/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۳/۳۲۴). هم‌چنین پیامبر<sup>6</sup> در یک روایتی مصداق اهل بیت را به صورت عینی بیان می‌کنند و می‌فرمایند: این آیه (تطهیر) درباره پنج نفر: من و علی و حسن و حسین و فاطمه نازل شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۸/۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۵/۲۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۱۳۶/۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/۴۲؛ نیشابوری، ۱۳۴۲: ۱۳۶/۲). از طرفی اهل بیت<sup>۴</sup> نیز این آیه را فضیلتی برای خودشان می‌دانستند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۷/۶؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۴۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۴۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۸/۲۸۳). حتی در مناشدات خود از آن استفاده می‌کردند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲/۵۴۹). مانند خطبه امام حسن<sup>۵</sup> بعد از شهادت امیرالمؤمنین<sup>۶</sup> که فرمودند: «ای اهل عراق، درباره ما تقوا پیشه کنید که ما امراء، مهمان سرزمین شما و اهل بیت کسی هستیم که خداوند در شأن ما فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ...» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹/۳۱۳۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۳۱/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۴۹۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۴۷). در حالی که هیچ‌کدام از همسران پیامبر این‌گونه به آیه تطهیر نگاه نمی‌کردند.

## ۲-۲. دلیل عدم سیاق

یکی دیگر از دلایل مفسران شیعه در تخصیص مصداق اهل بیت به خمسة آل عبا، نبود وحدت سیاقی بین آیه تطهیر و آیات قبل و بعد آن است. زیرا اولاً میان این آیه و آیات قبل و بعد، هیچ‌گونه پیوستگی بین‌شان برقرار نیست. ثانیاً لحن آیه تطهیر مدح و تمجید اهل بیت است، درحالی‌که لحن آیات قبل و بعد که اختصاص به زنان پیامبر دارد، توأم با توبیخ و سرزنش است. ثالثاً این از عادت فصحا است که در کلام خود از یک خطاب به خطاب دیگر روند و دوباره به آن خطاب اولی برگردند، قرآن کریم مملو از این موارد است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۶۰).

هم‌چنین برخی از مفسران شیعی می‌گویند: این آیه به صورت جداگانه و مستقل در اوایل هجرت نازل شده است و پیامبر<sup>6</sup> آن را بر آن عده‌ای از اهل بیت که موجود بودند منطبق می‌کردند. سپس که حسنین<sup>۱</sup> به دنیا آمدند، آنان را زیر پارچه (کسا) جمع می‌کرد و این آیه را می‌خواندند. ظاهراً این کار پیامبر<sup>6</sup> بارها تکرار شده است (عاملی، ۱۳۷۹: ۷۴).

## ۳-۲. دلیل ادبی

مفسران شیعه با واکاوی مفاهیم و کلمات به کار رفته در آیه و بررسی ادبی آنها، به انحصار مصادیق اهل بیت در افراد خاص استدلال کردند.

آنها ابتدا با بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم اهل بیت دریافتند که مصداق این واژه نمی تواند شامل حال زنان پیامبر و بنی هاشم (آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر) باشد، بلکه مراد از اهل بیت منحصر در پنج تن آل عبا است. چرا که «اهل بیت» مرکب از دو کلمه «اهل» و «بیت» است و واژه «اهل» در لغت به معنای شایسته و سزاوار (ابراهیم مصطفی و سایرین، ۱۴۲۶: ۳۱) معنا شده است. چنانچه این واژه به چیزی یا شخصی اضافه شود، معنای دیگری به خود می گیرد. از این رو با اضافه شدن «اهل» به «بیت» به ساکنان خانه، خویشان و کسانی که پیوند نسبی دارند معنا می شود (فراهیدی، ۱۴۲۴: ۱/۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۹). در این صورت اهل بیت شامل زن، فرزند و هر کسی که ساکن خانه هستند می شود.

اما اصطلاح اهل بیت در مورد پیامبر علاوه بر معنای لغوی کاربرد دیگری نیز دارد. از آنجایی که بیت آن حضرت محل نزول وحی و بیت نبوت می باشد، در اینجا نمی توان فقط معنای لغوی را لحاظ کرد، بلکه منظور از اهل بیت افرادی هستند که از نظر علمی و عملی دارای مراتبی هستند که شایسته بیت آن حضرت می باشند.

هم چنین در نگاه مفسران شیعی واژه «إنما» در آیه «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ» از ادات حصر می باشد؛ که اثبات مدخول و نفی غیر می کند. مثل: «إِنَّمَا زَيْدٌ فِي الدَّارِ» یعنی فقط زید در خانه است نه غیر او. یا مثل: «إِنَّمَا لَكَ عِنْدِي دَرَهْمٌ» یعنی برای تو نزد من فقط یک درهم است نه بیشتر و نه کمتر (طیب، ۱۳۷۸: ۱۰/۵۰۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱/۴۴۹؛ طوسی، بی تا: ۸/۳۰۴. طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۶۰؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۰/۴۴۴؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۸/۳۵۵؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۷/۳۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۸۵؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۷/۲۸۴؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۹۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵/۳۷۲؛ فیضی دکنی، ۱۴۱۷: ۴/۳۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۶۰). اما آن چه که در آیه محصور شده است دو چیز می باشد: الف: انحصار اراده و خواست خدا در بردن و دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت (إذهاب رجس) ب: انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۱۰). از این رو اراده خداوند در اینجا باید اراده تکوینی باشد زیرا اراده تشریحی با وجود انحصار در اهل بیت معنایی ندارد چرا که اراده تشریحی در إذهاب رجس نسبت به همه انسان ها است و با اکرام و تعظیم اهل بیت منافات دارد (ر.ک: خسروانی، ۱۳۹۰: ۷/۳۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۸۶؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۹۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۵/۳۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۶۰).

## ۴-۲. اولویت و مفهوم موافقت

یکی از دلایلی که مفسران شیعه برای اثبات مدعای خود آورده اند، اولویت قطعی و مفهوم موافقت می باشد که در این جا بر عصمت اهل بیت دلالت دارد. توضیح مطلب این است که خداوند زنان پیامبر را امر و نهی می کند؛ چون کارهای خلاف آنان، آثار منفی در اهل بیت رسالت بر جای خواهد گذاشت. آنچه مهم است اهل بیت هستند و خداوند نمی خواهد که کوچک ترین پلیدی به آنان برسد، نه زنان پیامبر؛ اگرچه این پلیدی از کسانی سرزند که با آن خانواده نسبت دارند. این امر شباهت دارد به مردی که دارای عزت و احترام در میان مردمان است و برای تثبیت احترام وی به فرزند یا بستگان او که مرتکب کار ناشایستی می شوند تذکر داده می شود که از آن کار دست بردارند تا به شهرت و آوازه آن مرد لطمه ای وارد نشود. در اینجا آن فرزند یا

بستگان آن مرد در دایره اهتمام نیستند چرا که اگر آنان، فرزند یا بستگان آن شخص نبودند به آبرو و شخصیت وی متعرض نمی‌شدند هیچگونه انگیزه‌ای برای امر و یا نهی آنان نبود (ر.ک: عاملی، ۱۳۷۹: ۴۵).

### ۳. نقد و بررسی دیدگاه فریقین

#### ۱-۳. بررسی روایی

مفسران شیعه برای اثبات مدعای خود به حدیث معروف کسا استناد کرده‌اند. محدثان فریقین آن قدر این حدیث را در کتاب‌های معتبر خود نقل کرده‌اند که می‌توان ادعای تواتر کرد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۳۸/۱).

طبری در کتاب دلائل الامامة می‌گوید: «مسلمانان اتفاق نظر دارند که همزمان با نزول آیه تطهیر پیامبر (ص)؛ علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) را فراخواند و با کسا آنان را پوشاند و چنین دعا کرد «اللهم هؤلاء اهلی فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً؛ خدایا اینان اهل بیت من هستند از آن‌ها پلیدی را دور کن و آن‌ها را پاک گردان» (طبری، ۱۳۸۳: ۲۱).

بنابراین با وجود این همه روایات با طرق مختلف شیعه و اهل سنت نمی‌توان ذره‌ای خدشه به سندیت آن وارد کرد. اما در مقابل اکثر مفسران اهل تسنن برای اثبات مدعای خود به روایت عکرمه از ابن عباس استناد کرده‌اند و برخی دیگر از مفسران این روایت را از طریق سعید بن جبیر هم نقل کرده‌اند؛ ولی با این وجود، روایت یاد شده هم از لحاظ سندی و هم از لحاظ دلالتی مورد نقد و بررسی است.

#### ۱-۱-۳. نقد سندی

اولاً) در سلسله سند روایت عکرمه، ابن حمید از یحیی بن واضح، او از اصبع و او از علقمه و او از عکرمه این حدیث را روایت کرده‌اند در حالی که در منابع رجالی اهل تسنن "ابن حمید" فردی ضعیف خوانده شده است (ذهبی، ۱۴۱۸: ۱۶۶/۲؛ ابن حجر عسقلانی، بی تا: ۶۹/۲).

ثانیاً) اهل تسنن در کتاب‌های رجالی و تراجم خود، عکرمه را فردی کذاب، کم عقل و از خوارج معرفی کرده‌اند. هرچند این نگاه از منظر برخی از محدثان شیعه رد شده است<sup>(۲)</sup> ولی همین امر در عدم پذیرش ادعای اهل تسنن بر اختصاص آیه تطهیر به زنان پیامبر کفایت می‌کند. ما در این اینجا برای تبیین موضوع، شخصیت عکرمه را در کتب اهل تسنن مورد بررسی قرار می‌دهیم. الف) کذاب بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبی در مورد وی می‌گویند:

جریر بن عبد الحمید از یزید بن ابی زیاد نقل می‌کند که روزی به دیدار علی بن عبدالله بن عباس رفتیم و عکرمه را دیدیم که بر درب نخلستان بسته شده بود، پرسیدیم: چرا عکرمه را بسته‌ای؟ گفت: او بر پدرم دروغ می‌بندد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۸/۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۳/۵).

عکرمه در نقل روایت آن قدر بر ابن عباس دروغ بست که به خاطر شهرتش در دروغ‌گویی ضرب‌المثل شده بود؛ قضیه دروغ بستن عکرمه بر ابن عباس بین خواص مشهور بود تا جایی که ضرب‌المثل شده بود کما اینکه یحیی بن بکاء می‌گوید: از ابن عمر شنیدم که به نافع می‌گفت: از خدا بترس و بر من دروغ نیند همان‌گونه که عکرمه بر ابن عباس دروغ می‌بست (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳/۷).



سعید بن مسیب از فقهای مشهور است که به غلامش می‌گوید: «ای برد مثل عکرمه که بر ابن عباس دروغ می‌بست، تو بر من دروغ نبند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۳/۵).<sup>(۳)</sup>

«مزی» در تهذیب الکمال به صراحت اعلام می‌کند: «قاسم به عثمان بن مرة گفت: ای برادر! عکرمه انسان دروغگویی است. صبح یک حدیثی را نقل می‌کند و غروب از حدیث خود بر می‌گردد» (مزی، ۱۴۰۶: ۲۸۶/۲۰).

ب) خارجی بودن عکرمه: ذهبی هم درباره عکرمه می‌گوید: «گفته شده که عکرمه بر رأی و نظر خوارج بوده است به همین خاطر امام مالک و مسلم از او روایتی نقل نکرده‌اند» (ذهبی، ۱۳۷۴: ۹۵/۱).

ج) کم عقل بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبی از ابی الأسود نقل می‌کنند که عکرمه، فردی کم عقل بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۷/۵).

با این تعاریفی که بزرگان اهل تسنن از عکرمه دارند چطور به روایت عکرمه در مورد اختصاص آیه به نساء النبی می‌توان استشهاد کرد.

### ۲-۱-۳. نقد محتوایی

این حدیث نمی‌تواند درست باشد چون تعداد احادیثی که اهل بیت را به خمسه آل عبا تفسیر کردند، آن قدر زیاد است که اگر نگوییم به حد تواتر رسیده<sup>(۴)</sup> لا اقل می‌توان گفت این احادیث مستفیض هستند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۱/۱۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۰/۴۴۴). با توجه به این مطلب، روایات مذکور در کتب مذکور در کتب فریقین بر خبر واحد مقدم می‌شوند و روایت عکرمه و سعید بن جبیر را تحت الشعاع خودش قرار می‌دهد.

### ۲-۳. بررسی سیاق

قرینه وحدت و عدم وحدت سیاق از جمله أدله‌ای است که فریقین برای اثبات مدعای خود بدان استناد کردند. سیاق یکی از قرائن لفظی و متصل به شمار می‌رود. این قرینه در کلامی که از چند جمله تشکیل شده باشد زمانی نقش آفرینی می‌کند که بین جملات از لحاظ ظاهری پیوستگی و هم‌چنین از نظر موضوع نیز بین آنها اتحادی برقرار باشد. اما با بررسی صورت گرفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب در می‌یابیم که قبل و بعد آیه تطهیر مربوط به همسران پیامبر است که با لحن سرزنش و توبیخ همراه است ولی در آیه تطهیر به مدح و تمجید افرادی که تحت عنوان اهل بیت هستند می‌پردازد. و این قول به دیدگاه شیعه نزدیک‌تر است.

### ۳-۳. بررسی ادبی

فریقین با استناد به تغییر رویکرد ضمائر از مونث به مذکر و بررسی ادبی و واژگانی الفاظی همچون "اهل بیت" و "إِئِمَّا" بر مدعای خود استناد کردند. در این میان مفسران اهل سنت ابتدا اهل بیت را به همه کسانی که نوعی علاقه و رابطه خویشاوندی و ناگسستگی داشته باشند معنا کردند و با این معنا زنان پیامبر<sup>۶</sup> را نیز از مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر دانستند در حالی که اهل بیت در مورد پیامبر<sup>۶</sup> و بیت آن حضرت که محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد نمی‌تواند معنای عرفی داشته باشد. بلکه منظور از اهل بیت طبق گفته مفسران شیعه، افرادی هستند که از لحاظ علمی و عملی دارای درجاتی هستند که شایسته آن مقام شدند و تعیین حد

و حدود آن به دست شارع انجام می‌گیرد. بنابراین برخی از افرادی که جزو ساکنان و خویشاوندانند همچون فرزند نوح<sup>×</sup>، از دایره اهل بیت خارج می‌شوند «... قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...» (هود/ ۴۶) و در مقابل افرادی همچون سلمان فارسی به خاطر کسب مقامات علمی و عملی به جایی رسیده‌اند که پیامبر<sup>6</sup> در مورد وی می‌فرماید: «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۴۲۷). از طرفی هر وقت واژه اهل بیت بر لسان پیامبر<sup>6</sup> همچون حدیث ثقلین<sup>(۵)</sup>، حدیث سفینه<sup>(۶)</sup>، داستان مباحله و ... جاری می‌شود، افراد خاصی که در بالاترین درجه انتساب به بیت نبوت هستند به ذهن انسان متبادر می‌شود.

و نیز مفسران اهل سنت برای توجیه تغییر ضمایر به کار رفته در آیه تطهیر به مسأله تغلیب ضمیر مذکر بر مونث استناد کردند تا بدینوسیله حکم اذهاب رجس و تطهیر را هم شامل زنان پیامبر<sup>6</sup> کنند. در حالی که این مسأله باعث می‌شود احکام به کار رفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب که همگی با ضمایر مؤنث به کار رفته مانند نشستن در خانه، عدم تبرج، اطاعت کردن و ... شامل حال مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر هم شود که این از محالات است.

هم چنین یکی از مواردی که می‌تواند مصداق اهل بیت را در خمسه آل عبا منحصر کرد به کارگیری لفظ "إِنَّمَا" در آغاز آیه تطهیر می‌باشد. مفسران فریقین واژه "إِنَّمَا" در این آیه تطهیر را کافه و مکفوفه می‌دانند (صافی، ۱۴۱۸: ۲۲/ ۱۵۹؛ دعا حمیدان، ۱۴۲۵: ۳/ ۵۱؛ درویش، ۱۴۱۵: ۸/ ۱۰). طبق این نظر لفظ "إِنَّمَا" برای حصر به کار رفته است و نتیجه حصر، عصمت اهل بیت در آیه است. چرا که روایت أم سلمه و عایشه در مورد حدیث کسا بیان‌کننده آن است که عصمت، برگرفته از حصر در اراده تکوینی خدا به اهل بیت است و آن ویژگی افرادی است که عمل به احکام و دوری از گناهان سرلوحه زندگی آنان می‌باشد؛ نه افرادی که با انجام کارهای ناشایست پایه‌های عصمت را در هم کوبیدند و بر خلاف نص صریح قرآن عمل کردند. چنان‌که در زمان خلافت امام علی<sup>×</sup> عایشه با عنوان خونخواهی عثمان به همراه برخی از خواص بر علی<sup>×</sup> خروج کردند.

ثعلبی به اسناد خود از مجمع تیمی<sup>(۷)</sup> روایت کرده که روزی با مادرم نزد عایشه رفتیم؛ مادرم به او گفت: دیدی که در روز جمل خروج کردی و از امر الهی که فرموده «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» عدول نمودی عایشه گفت: از قضا و قدر حق تعالی بود. سپس درباره علی<sup>×</sup> از او پرسید او گفت: در مورد محبوب‌ترین مردم و شوهر محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا<sup>6</sup> سؤال کردی. به خدا سوگند من دیدم پیغمبر<sup>6</sup> علی و فاطمه و حسن و حسین<sup>^</sup> را در زیر جامه خود جمع کرد و آن جامه را بر سر ایشان کشید و فرمود: «بار خدایا این‌ها اهل بیت و خویشان نزدیک من اند پس پلیدی را از ایشان دور کن و ایشان را پاک و پاکیزه گردان از شوب معصیه» بعد از آن عایشه گفت: من گفتم: «یا رسول الله انا من اهلک» فرمود: «تنحی فانک الی خیر» دور شو که تو بر صفت خیری و نیکو کرداری و اهل بیت من نیستی چه اینها اهل بیت من هستند (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/ ۴۳؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/ ۶۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۵/ ۳۵۲). بنابراین، چطور می‌توان چنین فردی که بر علیه خلیفه مسلمین قیام کرد را مشمول حکم و اراده الهی در تطهیر بدانیم؟!.

## نتیجه

با توجه به اهمیت این فراز از آیه و نقش محوری آن در تبیین و اثبات مباحث معرفتی در حوزه اعتقادات شیعی یعنی «عصمت» اهل بیت<sup>^</sup> بررسی‌های صورت گرفته در مورد این واژه با رویکرد تفسیری از دیدگاه فریقین در سه محور مورد بررسی قرار گرفت که نتایج ذیل را در بر داشت:

محور اول دلیل روایی: بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که روایت عکرمه که مفسران اهل تسنن از آن برای مدعای خود بدان استناد کردند، به خاطر حضور افرادی چون "ابن حمید" و "عکرمه" از لحاظ سندی مورد اشکال است؛ چرا که در منابع رجالی اهل تسنن این افراد مورد تضعیف قرار گرفته‌اند و حتی عکرمه را فردی کذاب، کم عقل و از خوارج معرفی نموده‌اند. هم‌چنین این روایت به لحاظ دلالتی هم دارای اشکال است. چون تعداد احادیثی که اهل بیت را به خمسه آل عبا تفسیر کردند، آن قدر زیاد است که برخی ادعای تواتر کرده‌اند. از این رو روایت عکرمه و حتی روایت مروی از سعید بن جبیر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

محور دوم دلیل سیاق: قرینه سیاق که یکی دیگر از دلایل مفسران اهل سنت بود زمانی کاربرد دارد که، بین جملات از لحاظ ظاهری پیوستگی، و از نظر موضوع وحدت برقرار باشد؛ در حالی که آیات قبل و بعد آیه تطهیر با سرزنش و توبیخ همراه است ولی در آیه تطهیر به مدح و تمجید افرادی که تحت عنوان اهل بیت هستند می‌پردازد.

محور سوم دلیل ادبی: طبق نظر مفسران اهل سنت مفهوم "اهل بیت" در مورد پیامبر 6 و بیت آن حضرت که محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد سازگاری ندارد؛ بلکه منظور از اهل بیت افرادی هستند که از لحاظ علمی و عملی دارای درجاتی هستند که شایسته آن مقام شدند و تعیین حد و حدود آن به دست شارع انجام می‌گیرد. از طرفی آنچه که از مفهوم اهل بیت بر لسان پیامبر 6 به ذهن انسان متبادر می‌شود، افراد خاصی هستند که در بالاترین درجه انتساب به بیت نبوت می‌باشند. هم‌چنین مسأله تغلیب ضمیر مذکر بر مؤنث در آیه تطهیر منجر می‌شود تا احکام به کار رفته در آیات 28 تا 34 سوره احزاب که همگی با ضمائر مؤنث به کار رفته است را بر مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر هم منطبق کرد که این از محالات است. از طرفی واژه "انما" در آیه تطهیر کافه و مکفوفه است که برای حصر به کار رفته است و نتیجه حصر، عصمت اهل بیت را به دنبال دارد. افراد خاص می‌توانند به إرادة تکوینی خدا، عمل به احکام و دوری از گناهان را سرلوحه زندگی خود قرار دهند.

## پی‌نوشت‌ها

(۱). در مورد شأن نزول آیه تطهیر می‌توانید رجوع کنید به: بیهقی، ۱۳۴۴: ۲/۱۵۰؛ نیشابوری، ۱۳۴۲: ۲/۴۱۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/۱۶۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/۱۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۳۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۰/۳۷۴؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۶/۲۹۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۷/۲۸۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۲۷۰. ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵/۴۱۷. کاشانی، ۱۴۲۳: ۵/۳۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۵۹؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲/۱۹۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱/۱۹۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲/۵۶۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۳: ۱/۴۶۹؛ ترمذی، ۱۴۰۱: ۵/۶۹۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۹/۱۰۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۷۹۹؛ شوشتری، ۱۳۷۷: ۲/۵۰۱-۵۵۸).

(۲). علامه مجلسی در پاورقی مرآة العقول آورده است: قال الشيخ البهائي: «عكرمة... فقيه تابعي كان مولی ابن عباس...» که نشان از عدم جرح وی توسط شیخ بهائی نیز دارد (مجلسی، ۱۴۰۱: ۱۳/۲۷۸-۲۷۹).

(۳). شبیه همین روایت را مزنی در تهذیب الکمال آورده است که ابن عمر به نافع می‌گوید: «همان‌طور که عکرمة بر ابن عباس دروغ بست تو بر من دروغ میند» (مزنی، ۱۴۰۶: ۱۳/۱۷۳).

(۴). ابوالفتح رازی ادعا کرده که روایات مربوط به مصداق اهل بیت به آل کسا متواترند (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵/۴۱۷).

(۵). «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي...» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۵).

(۶). «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجِيَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي بَيْنِ شِمَا كَشْتَى نُوحٍ اسْتِ، هَر كَسْ بِه اَيْن كَشْتَى دَاخِل شُوْد نَجَات مِي يَابِد، وَ هَر كَسْ جَا بَمَانِد، غَرَق مِي شُوْد» (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۲۷/۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۳۳؛ دیلمی، ۱۳۷۱: ۲/۳۰۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۳: ۱/۴۶۹؛ همو، ۱۳۷۶: ۲۶۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۴۹).

(۷). منظور جمیع بن عمیر تیمی است. ابن حجر در تهذیب نوشته است: به او مجمع و جامع هم گفته می‌شود.

قرآن کریم.

آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.  
ابن أبی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی، مكتبة نزار مصطفى الباز،  
۱۴۱۹ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

\_\_\_\_\_، علل الشرائع، قم، انتشارات داوری، ۱۳۸۵.

\_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۳.

\_\_\_\_\_، کتاب الخصال، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۰۳ق.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتب العربی،  
۱۴۲۲ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تقریب التهذیب، تحقیق: ایمن عرفه، قاهره، مكتبة التوفيقية، بی تا.

\_\_\_\_\_، تهذیب التهذیب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ق.

ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحرير و التویر، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.

ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، أحكام القرآن، بیروت، دارالجلیل، بی تا.

ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت،  
دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد  
پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: جمیل، صدقی محمد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، مؤسسة البعثة، قسم الدراسات  
الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.

بروجردی، سیدمحمدابراهیم، تفسیر جامع، تهران، صدرا، ۱۳۶۶.

بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، تصحیح: محمدعلی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیة،  
۱۴۱۵ق.

بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی،  
۱۴۱۸ق.

بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، هند، بی تا، ۱۳۴۴ق.

ترمذی، محمد بن عیسی (س). سنن الترمذی تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

ثعالبي، عبدالرحمن بن محمد، **جواهر الحسان في تفسير القرآن**، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤١٨ق.  
ثعلبي نيشابوري، ابواسحاق احمد بن ابراهيم، **الكشف والبيان عن تفسير القرآن**، بيروت، دار احيا التراث العربي، ١٤٢٢ق.  
ثقفى تهراني، محمد، **تفسير روان جاويد**، تهران، انتشارات برهان، ١٣٩٨ق.  
حر عاملي، محمد بن حسن، **وسايل الشيعه في تحصيل مسائل الشريعة**، تهران، بي نا، ١٣٨٥ق.  
حسكاني، عبيدالله بن احمد، **شواهد التنزيل لقواعد التفضيل**، بيروت، مؤسسه الاعلمي، ١٣٩٣ق.  
حسيني استرآبادي، سيد شرف الدين علي، **تأويل الآيات الظاهرة**، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٩ق.

حسيني شاه عبدالعظيمي، حسين بن احمد، **تفسير اثنا عشرى**، تهران، انتشارات ميقات، ١٣٦٣.  
درويش، محيي الدين، **اعراب القرآن وبيانه**، سوريه، دار الإرشاد، ١٤١٥ق.  
دعاس، حميدان و قاسم، **اعراب القرآن**، دمشق، دارالمنير و دار الفارابي، ١٤٢٥ق.  
ديلمي، حسن بن محمد، **ارشاد القلوب الى الصواب المنجى من عمل به من اليم العقاب**، قم، الشريف الرضى، ١٣٧١.  
ذهبي، شمس الدين، **تذكرة الحفاظ**، تحقيق: عبدالرحمن بن يحيى المعلمي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٣٧٤ق.  
\_\_\_\_\_ **سير أعلام النبلاء**، تحقيق، إشراف و تخريج: شعيب الأرنؤوط، تحقيق: حسين الأسد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.  
\_\_\_\_\_ **الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة**، بيروت، دار الفكر، ١٤١٨ق.  
رشيد الدين ميبدي، احمد بن ابى سعد، **كشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقيق: على اصغر حكمت، تهران، انتشارات اميركبير، ١٣٧١.  
السمعاني، منصور بن محمد، **تفسير السمعاني**، تحقيق: ياسر بن ابراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، الرياض، دارالوطن، ١٤١٨ق.  
سيوطي، جلال الدين و سيوطي، محلي، **تفسير الجلالين**، بيروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ١٤١٦ق.  
سيوطي، عبدالرحمن بن ابى بكر، **الدر المثور في تفسير المأثور**، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق.  
شوشترى، نورالله بن شريف الدين، **احقاق الحق وازهاق الباطل**، با تعليقات شهاب الدين مرعشى نجفى، قم، چاپ محمود مرعشى، ١٣٧٧.

صافى، محمود عبدالرحيم، **الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانه**، دمشق، دار الرشيد مؤسسة الايمان، ١٤١٨ق.  
طباطبائي، سيد محمد حسين، **الميزان في تفسير القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٧ق.  
طبرسي، احمد بن علي، **الاحتجاج على أهل اللجاج**، تحقيق: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضى، ١٤٠٣ق.  
طبرسي، فضل بن حسن، **مجمع البيان في تفسير القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢.  
طبرى، محمد بن جرير بن يزيد، **جامع البيان في تفسير القرآن**، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ق.  
طبرى، محمد بن جرير بن رستم، **دلائل الإمامة**، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة، قم، مؤسسة البعثة، ١٣٨٣ق.  
طنطاوى، سيد محمد، **التفسير الوسيط للقرآن الكريم**، قاهره، نهضة مصر، ١٩٩٧.  
طوسى، محمد بن حسن، **الأمالي**، قم: دارالثقافه، ١٤١٤ق.  
\_\_\_\_\_ **التيبان في تفسير القرآن**، تحقيق: احمد قصير عاملي، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.  
طيب، سيد عبدالحسين، **تفسير اطيب البيان في تفسير القرآن**، تهران، انتشارات اسلام، ١٣٧٨.  
عاملى، سيد جعفر مرتضى، **اهل بيت در آيه تطهير**، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، ١٣٧٩.  
عروسي حويزى، عبدعلى بن جمعه، **تفسير نور الثقلين**، تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، قم، انتشارات اسماعيليان، ١٤١٥ق.

- عسکری، مرتضی، **حدیث الکسا فی کتب مدرسة الخلفاء (و) حدیث الکسا فی مصادر مدرسة اهل البيت** ^، تهران، ۱۴۰۲ق.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، ابوالقاسم، **تفسیر فرات الکوفی**، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- فیضی دکنی، ابوالفضل، **سواطع الإلهام فی تفسیر القرآن**، تحقیق: سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، قم، دار المنار، ۱۴۱۷ق.
- قاسمی، محمد جمال الدین، **محاسن التأویل (تفسیر القاسمی)**، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- قرشی، سید علی اکبر، **تفسیر أحسن الحدیث**، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- کاشانی، ملا فتح الله، **زبدة التفاسیر**، تحقیق: بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.
- \_\_\_\_\_، **تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین**، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶.
- کریمی حویزی، محمد، **التفسیر لکتاب الله المنیر**، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۲ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تصحیح: دارالحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- مجلسی، محمد باقر، **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۱ق.
- محمد بن مکرم، ابوالفضل جمال الدین، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- محمدی ری شهری، محمد، **اهل بیت ^ در قرآن و حدیث**، مترجم: رضا شیخی و حمیدرضا آذیر، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
- مزی، جمال الدین یوسف، **تهذیب الکمال فی اسماء الرجال**، بیروت، چاپ بشار عواد معروف، ۱۴۰۶ق.
- مصطفی، ابراهیم، عبدالقادر، حامد، حسن الزیات، احمد و محمد علی النجار، **المعجم الوسیط**، تهران، مؤسسه الصادق للطباعة و النشر، ۱۴۲۶ق.
- مکارم، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
- میرزا خسروانی، علیرضا، **تفسیر خسروی**، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- نخجوانی، نعمت الله بن محمود، **الفواتح الالیة و المفاتیح الغیبیة**، مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹.
- نیشابوری، ابوبکر عتیق بن محمد هروی، **تفسیر سور آبادی**، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
- نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، هند، بی نا، ۱۳۴۲ق.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، **تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، ۱۴۱۶ق.
- واحدی، علی بن احمد، **اسباب نزول القرآن**، تحقیق: کمال بسینونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

## Shia and Sunni Exegetes on the Manifestation of "Ahlulbayt" in Ayat al-Tathir\*

Sayyid Hasan Muhammadi \*

### Abstract

The manifestation of 'Ahlulbayt (AS) in Ayat al-Tathir (verse of purification) is one of the highly contentious and controversial issues among the two branches of faith. Given the ideological significance of this verse i.e. verse 33 of Chapter al-Ahzab, the researcher tries to investigate various concepts that may be inferred from the verse as well as the oral and contextual relationships and the opinions of the exegetes of the two major branches of faith, to identify the main and real concept of Ahlulbayt (AS) in Ayat al-Tathir. Some Sunni commentators and exponents have said that the term Ahlulbayt (household) refers to the causal relatives of the Prophet i.e. the wives of the Prophet (S), and some others believe that in addition to the Prophet's wives, Ali, Fatima, Hasan and Hussein, peace be upon them are also included. However, some Sunni scholars are of the view that only the five members of the Cloak are among the Ahlulbayt (AS) of the Prophet (S).

The writer concludes that the reasons and arguments presented by the exegetes of both branches of faith can be categorized into three traditional, literary and contextual categories. Sunnis have relied on reports from Umm Salamah, 'Aisha, 'Akramah while presenting their views and notions. They have examined the concept of Ahlulbayt (AS) and the pronouns used in verses 28 to verse 34, as well as the coherence and relationship of the verse in question with the preceding and following ones.

**Keywords:** Ayat al-Tathir, Ahlulbaty (AS), Aal-e 'Aba (members of cloak) and Infallibility.

---

\* Date of submission: 12/5/2017 Date of acceptance: 11/7/2017 .

\*\* Student of doctoral level, Islamic sciences teachers training, (Quran and Islamic Texts), Payam Noor University, Qom (hozeh\_rezaie@yahoo.com).